

## " گذاری به قلمرو مضاعف ایجاز ، خوانش شعر " واوا

رامین زارع گشتی

مقدمه : افت های شعر مدرن تالش

در شروع این مقال قبل از هرچیز باید پیرامون دو جریان بزرگ و فعال شعری که من خود انرا جریان " شعر نشریه ای " می نامم سخن گفت. دو جریان بزرگ شعری تحت عنوان ؛ شعر سنتی یا شعر دیروز و نیز شعر مدرن یا شعر امروز .

البته پرداختن عملی به شعر سنتی ی دیروز که بیشتر در غالب دوبیتی و غزل و بعضی مثنوی مطرح هستند برای ایجاد پشتوانه ی مکتوب ادبی برای جوانترها و در کلیت، آینده گان غیرقابل انکار است اما تنها در همین حد قابل پردازش می باشد. اما انگونه که هگل می گوید : " انسان باید فرزند زمان خویش باشد " و فضای مقتضی امروز، ظرفیت امروزی شعر را می طلبد و ان ظرف مطلوب، برای شعر امروز تالش بنابر تجارب علمی و عملی ، تنها و تنها شعر ازاد نیمایی و حتا شعر سپید است که می تواند مناسبات پیچیده و گسترش یافته ی اجتماعی – اقتصادی را در شکل دگرگون شده اش بپذیرد و جای دهد .

اما جریانی که تحت عنوان افت در شعر مدرن تالش، به عنوان امری غیر قابل انکار مطرح می شود " افت تکرار " است تکرار خویش و تکرار دیگران .

در جریان نشریه انگونه که به وضوح رویت می گردد شاعر یا خود را تکرار می کند یا دیگران را ، که این کار گذشته از اینکه محدود کردن خود شاعر است شاعران دیگر را نیز دچار انحصار و محدودیت می کند . به این شکل که شاعران مستقل دیگر نتوانند و نخواهند که کارهای ناب خویشان را بنابر دلیل " افت تکرار " ارایه دهند .

\*\* گذاری به قلمرو مضاعف ایجاز ، در ادامه ی شعر " واوا " نورالدین صبوری :

پیشترها شاعران برای گسترش وسعت ذهن و وسعت مضاعف زبان و ایجاد مفاهیم بیشتر در جهت تقلیل واژه گانی ی ساختار شعر از صنعت ایجاز بهره های فراوان برده اند. و با کمترین کلمات وسیعترین مفاهیم را ارایه داده اند. امروزه با گسترش محدوده ی مناسبات اجتماعی – سیاسی و صنعتی و پیشرفت فن اوری و تکنولوژی و دست اوردهای مهم

بشری ، دامنه ی زبان نیز گسترش یافته و مضامین تکنولوژیک و مدرن زیادی را در بدنه ی خویش پذیرفته و وارد کرده است . مضامین ، وسعت بیشتری نسبت به پیشترها دارد که شکل‌های گسترش یافته تری برای ارایه می طلبد. ظرافتها ، پیچیده تر شده و ظرفیتهای پیچیده تری برای عرضه می خواهد .

همگام با گسترش دامنه ی زندگی ی بشر ، شعر نیز که مصداق بارز و شکل دگرگون شده ی زندگیست می بایست گسترش یابد تا یارای برتابیدن ظرفیتهای پیچیده ی زندگی را داشته باشد.

از این رو شاعران در پی ی مکاشفه ی نوینی از ظرفیت های بیشمار شعر مدرن برآمدند تا متناسب با گسترش مناسبات اجتماعی ، شکلی مناسب و درخور برای انعکاس این مناسبات پیچیده دریابند.

چند معنایی یکی از مهمترین روشهایی است که توانسته زوایای چند وجهی ی زندگی مدرن را به خوبی برتابد چون هم در راستای اهداف شاعران نواندیش قبل تر از ماست و هم شکل غنی شده و ارتقا یافته ی ایجاز است.

اینگونه نیست که شاعر برای نمایش قطر یا عرض مناسبات اجتماعی - سیاسی - صنعتی ، طول شعر را افزایش داده و قصاید هفتاد منی تحویل مخاطب دهد ، بلکه با ایجاد چند معنایی و چند پهلویی عرض شعر را بیشتر کرده و در حقیقت ژرفا و عمقش را مضاعف می کند و در اینجا در واقع با کمترین کلمات بیشترین مفاهیم و مضامین را به شکلی شاعرانه عرضه می کند.

اما در زبان فارسی و اشعار سپیدی بدین زبان ، متأسفانه شعرا به این مهم و هدف متعالی هنوز نتوانسته اند دست یابند و چند معنایی تنها در سطح کلمات و یا مهمتر در سطح سطر رخ نموده است که این عمل عیوب فراوان دارد نخست اینکه قدرت مکاشفه ی مخاطب را تقلیل می دهد و کار را مثلن به دست یک فرهنگ لغت خاتمه می دهد . و دوم غیرشاعرانه گی ی این شیوه و روش است که بازهم عمل دریافت را مانند سروده های قدما به چند واژه و درک مفهومی آنها می سپارد و از نقش تصویری شاعرانه سرباز می زند و دلربایی و لذت انگیزی ی کشف مصور مفهوم را از خواننده دریغ می کند.

اما چند معنایی در ساختار که مفاهیم در لایه های متجانس همدیگر را پوشش داده و کامل می کنند عمل روشمندیست که در سطر یا بند و شکل متعالی ترش یعنی کلیت شعر اتفاق می افتد.

\* خوانش شعر vāvā سروده ی نورالدین صبوری :

\*\* واوا \*\*

بهاره نرمه خشه هوایه

واوا

تیتِه اِن

ایسبی

سِر

اوتای

هرن

واوا

این شعر که به روش چند معنایی - چند پهلویی و چند وجهی نوشته شده دارای چهار وجه معنایی می باشد که در جهت غنای زبان و ارتقای ایجازی مفهوم ، بدور از هرگونه بازیگوشی ی متشاعرانه و بری از بازیهای بیهوده ی شکلی و زبانیست.  
برای اثبات این مهم لازم است که شعر را در چهار شکل معنایی اش ترجمه کنیم :

(۱) تاب vāvā

هوای لطیف و خوش بهاریست :

تاب

شکوفه ها

سفید

سرخ

در افتاب

تاب

می خورند .

---

(۲)

باد می گوید vāvā

هوای لطیف و خوش بهاریست :

باد می گوید

شکوفه ها

سفید

سرخ

افتاب را می خورند

باد می گوید

---

(۳)

تاب vāvā

هوای لطیف و خوش بهاریست:

تاب

شکوفه ها  
سفید  
سرخ  
افتاب را می خورند  
باد می گوید

( ۴ )

باد می گوید vāvā  
هوای لطیف و خوش بهاریست  
باد می گوید

شکوفه ها  
سفید  
سرخ  
در افتاب  
تاب  
می خورند

با صرف نظر از دریافت تصویری پنجم از بند پایانی ی شعر که : شکوفه های سرخ و سفید /  
در تاب افتاب / نشسته اند /

با هریک از برداشت ها به شکلی متفاوت و به شدت مفهومی از ساختار ایجازی شعر دست  
می یابیم. این امر که از مهمات و بدیهی ترین اصول یک شعر متعالیست ( مفهوم ) شعر را از  
هرگونه اتهامی مبنی بر بازیهای واژه گانی مبرا می کند و خبر از وسعت ذهن و زبان موجز  
شاعرانه ی شاعر می دهد و اینکه " مفهوم " نزد شاعر از اهمیتی چند وجهی و متعالی برخوردار  
است و تنها در پی ی کشف ظرفیتهای زبانی و شکلی ایست که با کلمات کمتر ، مفاهیمی بیشتر  
ارایه دهد و در عین کاستن از طولای شعر ، بر عرض و عمق معنایی اش بیافزاید . شعر چند  
معنایی " واوا " مصداق اشکار این مهم می باشد که روش چند معنایی نه تنها در واژه و یا سطر و  
یا حتا بند ؛ بلکه در کلیت این شعر و در روابط بین واژه ها و سطور و تعامل کلیه ی بندها با  
یکدیگر، جاری و ساریست .

دیگر نکته ی مهم پیرامون شعر " واوا " که به شکلی در ذیل مقاله به آن پرداخته شده است  
تکرار و یا تعدد کلمات بکاربرده شده در این شعر است که پرداختن به این مهم یعنی " عمق  
مضاعف مفهوم با گماشتن کمترین کلمات موجود " را به خوبی آشکار کرده است.  
شعر " واوا " با این معانی ی فراوان و چند وجهی در یک نگاه ار ده واژه و در نگاهی دیگر ار  
یازده واژه تشکیل و تشکل می یابد.  
در یک نگاه که " واوا " شکل ساده ی تاب است و در نگاهی دیگر که به شکل ترکیبی ی "  
باد می گوید " دیده می شود. در نگاه اول با صرف نظر از تکرار " واوا " در اخر دارای ده واژه و  
در شکل دومش دارای یازده واژه است.  
این بررسی نشان می دهد که شاکله ی مدرن شعر امروز تالش می تواند چه ظرفیتِ شگفت  
انگیزی بیافریند و شعر امروز تالش به شدت محتاج اینچنین افرینش های خلاق هنری است.

برگرفته از: "بریجه" وبلاگ تخصصی شعر تالشی